اخبار

کمدی درام مدیری از ۴ دی روی آنتن

تدوین «شیش ماهه» ادامه دارد

سریال «شیش ماهه» به کارگردانی و با بازی مهران مدیری از پنجشنبه ۴ دی از شبکه سه سیما پخش می شود.

به گزارش مهر، سریال تازه مهران مدیری بالاخره از پنجشنبه شب با عنوان «شیش ماهه» به پخش می‌رسد. این سریال یکی از محصولات جدید مرکز سیمافیلم است که چند سالی مدیران تلویزیون از مذاکره‌ها با مهران مدیری برای تصویب طرح و نگارش فیلمنامه صحبت می‌کردند. مهران مدیری آخرین بار با مسابقه «دورهمی» در شبکه نسیم حضور داشت که هنوز قسمت‌های باقی مانده این مجموعه بعد از چند سال نتوانسته است مجوز پخش را کسب کند. او حالا بعداز سال‌ها دوباره با سریال‌هایش به تلویزیون بازگشته است که اولی با نام «شیش ماهه» قرار است تنور زمستانی تلویزیون را گرم کند و دومی که فصل سوم «مرد هزار چهره» است برای کنداکتور نوروز در نظر گرفته شده است. این سریال هم به زودی کلید می‌خورد. «شیش ماهه» همچنان مراحل تدوین و پست پروداکشن را نیز طی می‌کند و آماده پخش از شبکه سه سیما شده و از پنجشنبه ۴ دی ۱۴۰۴ هر شب ساعت ۲۰:۳۰ روی آنتن می‌رود. این مجموعه ۱۷ قسمتی به تهیه‌کنندگی جواد فرحانی در فضایی کمدی اجتماعی تولید شده و با زبانی طنز، به یک موقعیت چالشی در زندگی می‌پردازد.

«شیش ماهه» روایت زندگی شاهین با بازی محمد شعبان پور است که می‌فهمد تنها ۶ ماه فرصت زندگی دارد؛ ماجرایی که تلاش می‌کند این موقعیت را به تجربه‌ای انسانی و قابل لمس تبدیل کند.

سحر زکریا نقش همسر و جواد رضویان نقش دایی او را ایفا می‌کند. بازیگران اصلی این سریال از خود مهران مدیری تا رضویان و حتی جوان‌تر ها، اغلب سال‌ها در تلویزیون حضور نداشته‌اند. شعبان پور پیش از این با بازی در آیتم‌های طنز شناخته می‌شد و نقش یکی از کاراکترهای عروسکی برنامه «مهمونی» را نیز به عهده داشت. حسن معجونی، علیرضا خمسه، سیدجواد رضویان، مریم سعادت، ناهید مسلمی، نیما شعبان‌نژاد از دیگر بازیگران سریال هستند.

چرا بیژن بیرنگ از خانه سبز پشیمان شد؟

رؤیایی که با طبقه متوسط فروریخت

پایان جنگ قرار بود آغاز زندگی باشد؛ آغاز گفت‌وگو، عشق و امید. «خانه سبز» درست در همین بزنگاه تاریخی متولد شد؛ سریالی که سبک زندگی طبقه متوسط شهری را به تلویزیون بازگرداند و نوید بازگشت به زیست فرهنگی داد. اما حالا، سال‌ها بعد، بیژن بیرنگ با صراحت می‌گوید از ساخت این سریال پشیمان است.

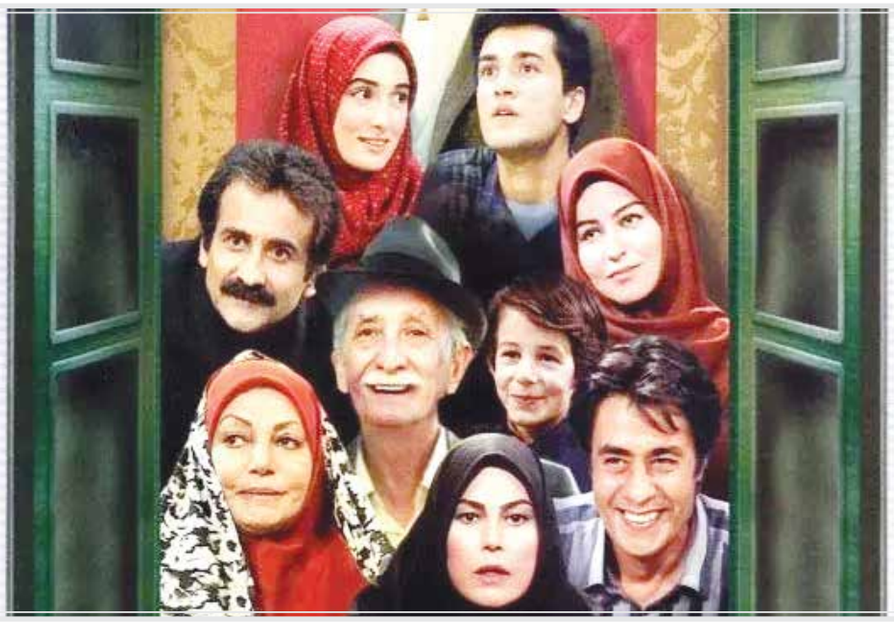

در دورانی که تورم همه چیز را بی معنا کرده و اخلاقیات را از بین برده، صحبت از یک خانه سبز چیزی شبیه شوخی است. پشیمانی بیرنگ از «خانه سبز»، در واقع پشیمانی یک هنرمند از نادیده‌گرفتن واقعیتی تلخ‌تر است

پایان جنگ هشت‌ساله با عراق می‌بایست آغاز فصلی تازه باشد؛ فصلی که در آن جامعه از فضای امنیتی دهه شصت فاصله بگیرد و به سمت زندگی، امید و بازسازی حرکت کند. پایان جنگ و درگذشت آیت‌الله خمینی، هم‌زمان شد با بازنگری قانون اساسی و تغییر آرایش قدرت سیاسی؛ مسیری که نهایتاً اکبر هاشمی رفسنجانی را با شعار «سازندگی» به رأس قوه مجریه رساند.

به گزارش رویداد۲۴، هاشمی تلاش کرد با تعدیل سیاست‌های اقتصادی و ایجاد گشایش نسبی در حوزه فرهنگ، طبقه متوسط شهری را که در سال‌های جنگ به حاشیه رانده شده بود، دوباره به متن جامعه بازگرداند. هاشمی رفسنجانی بارها در سخنرانی‌هایش گفته بود مسلمانی زهد و انزوا طلبی نیست و او دوست دارد ایرانی برخوردار بسازد که اکثریت جامعه در آن به لحاظ اقتصادی توانمند باشند. این گفتمان در تضاد با گفتمان حمایت از مستضعفین دهه شصت قرار می‌گرفت و نیروهای اجتماعی خودش را می‌خواست. این طبقه، اما برای بازتعریف هویت خود به «خوراک فرهنگی» تازه‌ای نیاز داشت؛ محصولاتی که بتواند زندگی، دغدغه‌ها و آرزوهایش را بازنمایی کند. درست در همین نقطه بود که آثار بیژن بیرنگ و مسعود رسام معنا پیدا کردند.

چرا محصولات فرهنگی از جنس خانه سبز مهم هستند؟

بیژن بیرنگ در کنار مرضیه برومند مهم‌ترین نمادهای فرهنگی دوره سازندگی تلویزیون هستند. هر دوی این کارگردانان در دهه پرماجرای شصت برای کودکان و نوجوانان سریال ساختند، چون به احتمال زیاد ایده‌های دیگرشان به درد آن دوران نمی‌خورد. اما بلافاصله پس از پایان جنگ هر دو به صحنه بازگشتند تا سبک زندگی و جهان بینی طبقه متوسط شهری در ایران را احیا کنند.

برومند با ساخت آرایشگاه زیبا، هتل، خودرو تهران-۱۱ و کارآگاه شمسی و دستیارش مادام تصویر دقیقی از زندگی طبقه متوسط شهری ترسیم کرد. طبقه‌ای که به دنبال یک زیست فرهنگی و متمدنانه بود که در آن حقوق زنان، مطالعه، رعایت حقوق شهروندی و گفت‌وگو اهمیت داشت.

بیژن بیرنگ هم با ساخت همسران و خانه سبز تلاش کرد به روایت این طبقه کمی فانتزی و رمنس اضافه کند. طبقه‌ای که انقدر رشد کرد که از توسعه اقتصادی اکبر هاشمی رفسنجانی به شعار توسعه سیاسی سیدمحمد خاتمی برسد. هر چند با ناامیدی از دوران اصلاحات در سال ۱۳۸۴ قافیه را به پوپولیسم احمدی نژادی باخت؛ در سال‌های بعد هم با رشد فزاینده تورم خودش شبیه یکی از همان خانواده‌های مستضعف دهه شصت شد.

داستان خانه سبز چه بود؟

خانه سبز داستان یک وکیل رمانتیک و عاشق پیشه بنام رضا صباحی است که خانواده‌اش را دورن یک خانه که او آن را خانه سبز می‌نامد جمع کرده است. خانه‌ای جذاب و نمادین و صد البته دموکراتیک که همه چیز در آن براساس گفت‌وگو پیش می‌رود (یکی از دیالوگ‌های مشهور سریال متعلق به رضا صباحی بود که خطاب به همسرش عاطفه می‌گفت: قهری قهر باش، اما حق نداری با من حرف نزنی!).

بیژن بیرنگ در این سریال خطوط قرمز را از بین نبرد، اما سعی کرد آن را جابه جا کند. به عنوان مثال در چند قسمت این سریال علی پسر کوچک خانواده به این جمع بندی رسید که مادرش نیاز به یک همدم دارد و او هم پدر می‌خواهد؛ بنابراین در اقدامی به شدت عجیب برای زمانه خودش، برای مادرش دنبال شوهر گشت و سرانجام معلم مدرسه‌اش را به عقد مادرش درآورد.

تماشای این ها در قاب تلویزیون برای مردمی که تا پیش از این فقط شاهد رشادت و فداکاری بچه‌های جنگ و زندگی‌های فقیرانه خانواده‌های شریف ایرانی بودند، چیز تازه‌ای بود. انقدر تازه که بیژن بیرنگ را به صرافت انداخت تا سرزمین سبز و جهان سبز را هم بسازد که البته میسر نشد و سرزمین سبز بعد از ساخت حتی به آنتن تلویزیون هم نرسید. تا سال‌ها بعد و در دوران ناامیدی طبقه متوسط شهری با جرح و تعدیل از آنتن تلویزیون پخش شود.

بیژن بیرنگ در یک گفت و گوی رسانه‌ای از ساخت خانه سبز ابراز پشیمانی کرده است. او در گفت و گوی تازه‌اش با احمد طالبی‌نژاد در مجله فیلم امروز هم گفت: «همان موقع که من داشتم به سبزی یک خانه و سرزمین فکر می‌کردم و جمله‌به‌جمله‌ی «خانه سبز» را می‌نوشتم، یک عده داشتند کیف‌هایشان را پر می‌کردند بروند. یک عده داشتند آب این مملکت را خراب می‌کردند و هوای این مملکت را غیرقابل تنفس می‌کردند. یک عده داشتند با رویاها و آرزوهای من بازی می‌کردند و به ریش من می‌خندیدند. با خودشان می‌گفتند یک اسکلی هست که حواس مردم را با چیزهای خوب پرت کرده تا ما بتوانیم بانک‌ها را خالی کنیم. من به عنوان بیژن بیرنگ باید واقعیت‌ها را هم می‌دیدم. حق دارم پشیمان باشم بابت اینکه خانه سبز ساختم و از دیدن واقعیت غفلت کردم.»

ناامیدی بیژن بیرنگ و خانه نشینی مرضیه برومند نمادین است. حذف یا کناره گیری آنها از عرصه برنامه سازی نمادی از حذف و انزوای طبقه متوسط شهری از صحنه جامعه ایران است؛ طبقه متوسطی که به واسطه سیاست‌های اقتصادی غلط حاکمیت در سالیان اخیر به زیر خط فقر پرتاب شده و عملاً حوصله ندارد کسی برایش از عشق، گفت‌وگو و زیست فرهنگی حرف بزند. طبقه‌ای که زمانی مطالبات سیاسی و فرهنگی داشت حالا آن قدر درگیر مسئله بقا است که دیگر فرهنگ در سبد خانوار او جایی داشته باشد، چه برسد به این که بخواهد حرف‌های رمانتیک و قشنگی از جنس حرف‌های رضا صباحی را گوش کند.

در دورانی که تورم همه چیز را بی معنا کرده و اخلاقیات را از بین برده، صحبت از یک خانه سبز چیزی شبیه شوخی است. پشیمانی بیرنگ از «خانه سبز»، در واقع پشیمانی یک هنرمند از نادیده‌گرفتن واقعیتی تلخ‌تر است؛ واقعیتی که در آن طبقه متوسط، یکی‌یکی حذف شد، به زیر خط فقر سقوط کرد و دیگر رمقی برای شنیدن روایت‌های عاشقانه و گفت‌وگومحور نداشت. در چنین شرایطی، خانه‌ای سبز دیگر نه رؤیا، که شوخی به نظر می‌رسد.

چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر

مهم‌ترین رویداد سینمایی ایران هنوز مدیر روابط عمومی ندارد

چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در حالی به روزهای آغازین خود نزدیک می‌شود که نشانه‌های آشکار بی‌برنامگی، ابهام اجرایی و فقدان اطلاع‌رسانی شفاف، از همین حالا سایه‌ای از بحران را بر مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور انداخته است.

خبرگزاری میزان - چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در حالی به زمان برگزاری نزدیک می‌شود که برخلاف عنوان پرطمطراق «مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور» بیش از هر دوره دیگری در هاله‌ای از ابهام، تعلیق و بلاتکلیفی فرو رفته است. جشنواره‌ای که قرار است ویترین سالانه سینمای ایران، محل تلاقی بدنه حرفه‌ای سینما با سیاست‌گذاری فرهنگی و نقطه تماس افکار عمومی با جریان تولید فیلم در کشور باشد، هنوز در ابتدایی‌ترین مناسبات اجرایی خود با خلأهای جدی مواجه است؛ خلأهایی که نه تنها نشانه‌ای از برپایی پر رونق و بانشاط مورد انتظار مدیران بالادستی را ندارد، بلکه زنگ خطر جدی را برای اعتبار نهادی جشنواره فیلم فجر به صدا درآورده است.

جشنواره‌ای در آستانه برگزاری؛ بی‌نقشه، بی‌زمان‌بندی

در تقویم نانوشته اما تثبیت شده جشنواره‌های سینمایی، مرحله پیش‌تولید یک جشنواره از اعلام ساختار اجرایی تا معرفی مدیران کلیدی، آغاز ثبت‌نام اصحاب رسانه، تعیین کاخ جشنواره و انتشار نقشه راه، نه یک امر تشریفاتی بلکه زیربنای اعتمادسازی و نظم‌بخشی به رویداد است. مقایسه ساده وضعیت کنونی جشنواره چهل و چهارم با دوره پیشین نشان می‌دهد که حتی همان حداقل‌های اجرایی نیز تا این مقطع زمانی محقق نشده است. در حالی که در دوره قبل ثبت‌نام خبرنگاران، منتقدان و اهالی رسانه از ۱۸ آذرماه آغاز شده بود، امسال نه تنها خبری از آغاز این فرآیند نیست، بلکه اساساً مشخص نیست چه زمانی و با چه سازوکاری قرار است این امر محقق شود.

نبود مدیر روابط عمومی مشخص برای جشنواره، شاید نمادین‌ترین نشانه این آشفتگی ساختاری باشد. روابط عمومی در هر رویداد فرهنگی قلب تپنده ارتباط با رسانه‌ها و افکار عمومی است. وقتی هنوز مدیر یا تیم روابط عمومی جشنواره معرفی نشده، طبیعی است که جریان اطلاع‌رسانی دچار وقفه، تناقض و شایعه‌محوری شود. حاصل این وضعیت، سرگردانی خبرنگاران و منتقدانی است که به عنوان نمایندگان افکار عمومی، نه برای امتیاز ویژه بلکه برای انجام وظیفه حرفه‌ای خود نیازمند دسترسی به اطلاعات شفاف و به موقع هستند

نبود روابط عمومی؛ قلب تپنده‌ای که هنوز نمی‌زند

این بلاتکلیفی تنها به حوزه رسانه محدود نمی‌شود. یکی از اساسی‌ترین پرسش‌ها، همچنان بی‌پاسخ مانده است، کاخ جشنواره کجاست؟ برج میلاد، پردیس ملت، یا مکانی دیگر؟ این پرسش ساده سال‌هاست به یکی از معضلات مزمن جشنواره فیلم فجر تبدیل شده است و هر دوره با شکل تازه‌ای از سردرگمی تکرار می‌شود. نبود یک مکان ثابت و استاندارد برای برگزاری جشنواره‌های سینمایی، آن هم در کشوری که سالانه بیش از ۱۰ جشنواره معتبر ملی و تخصصی برگزار می‌کند، بیش از آن‌که یک ضعف اجرایی باشد، نشانه فقدان نگاه زیرساختی به فرهنگ و سینماست.

کاخ جشنواره کجاست؟ پرسشی تکراری با پاسخی نامعلوم

در بسیاری از کشورها، کاخ جشنواره نه تنها یک ساختمان بلکه بخشی از هویت رویداد است؛ مکانی که دسترسی آسان با حمل و نقل عمومی، امنیت، امکانات رسانه‌ای، پارکینگ کافی و فضای تعامل حرفه‌ای را توأمان فراهم می‌کند.

فقدان زیرساخت ثابت؛ بحران مزمن جشنواره فیلم فجر

اما در ایران هر سال این پرسش تکرار می‌شود و پاسخ آن تا روزهای پایانی به تعویق می‌افتد. تجربه سال گذشته که بخشی از پارکینگ کاخ جشنواره به یک شرکت باتری‌سازی برای مراسمی هم‌زمان اجاره داده شد و هنرمندان و اصحاب رسانه ناچار شدند خودروهای خود را در نقاطی خارج از پارکینگ رسمی پارک کنند، هنوز از حافظه جمعی سینما پاک نشده است. این اتفاق بیش از آن‌که یک خطای اجرایی باشد، نمادی از اولویت نداشتن شأن جشنواره و مخاطبان حرفه‌ای آن در تصمیم‌گیری‌ها بود.

از پارکینگ تا شأن جشنواره؛ خاطره‌ای که فراموش نشد

در چنین فضایی انتظار می‌رفت با انتصاب منوچهر شاهسواری به عنوان دبیر جشنواره ملی فیلم فجر و صدور حکم جدید از سوی رئیس سازمان سینمایی، نشانه‌هایی از تغییر رویکرد و جبران کاستی‌ها دیده شود. در حکم صادرشده از سوی رائد فریدزاده بر محورهایی چون «برقراری ارتباط نظام‌مند اصحاب سینما با این رویداد»، «کشف استعدادهای جوان»، «تنوع‌بخشی به گونه‌های سینمایی»، «توسعه بازار» و حتی «طراحی و تدوین ساختار دبیرخانه دائمی جشنواره فجر» تأکید شده است. این موارد در سطح نظری خواسته‌هایی قابل دفاع و حتی ضروری هستند، اما مسئله اصلی فاصله عمیق میان این انتظارات بلندپروازانه و واقعیت اجرایی جشنواره در زمانی محدود است.

دبیر جدید، انتظارات قدیمی

و اینجاست که این سوالات مطرح می‌شود که چگونه می‌توان در فاصله‌ای کوتاه تا برگزاری جشنواره هم دبیرخانه دائمی طراحی کرد، هم حافظه تاریخی جشنواره را سامان داد، هم ارتباط نظام‌مند با اصحاب سینما برقرار کرد و هم به تنوع ژانری و توسعه بازار اندیشید، وقتی هنوز ابتدایی‌ترین ساختار اجرایی جشنواره شکل نگرفته است؟

شکاف میان احکام بلندپروازانه و واقعیت اجرایی

تجربه دوره پیشین نیز این تردیدها را تقویت می‌کند. در آن دوره بارها از سوی مدیران اجرایی عنوان شد که «از میانه راه آمده‌ایم»، «برنامه‌ای برای تغییر نداریم» و «همین روند را ادامه می‌دهیم»؛ وعده‌هایی که قرار بود در دوره بعدی به اصلاح ساختار و ارتقای کیفیت منجر شود.

تجربه دوره قبل؛ ادامه همان مسیر یا اصلاح ساختار؟

اکنون، با گذشت زمان و تکرار همان نشانه‌های بی‌برنامگی این پرسش جدی‌تر از همیشه مطرح است که آیا جشنواره فیلم فجر گرفتار چرخه‌ای فرسایشی از وعده‌های تکراری و اجراهای حداقلی نشده است؟ آیا ساختار مدیریتی سینمای ایران اساساً اراده‌ای برای تبدیل جشنواره فیلم فجر به یک رویداد حرفه‌ای، پیش‌بینی‌پذیر و قابل اتکا دارد یا همچنان قرار است هر سال همه چیز به روزهای پایانی موکول شود و بحران‌ها با تصمیمات لحظه‌ای مدیریت شوند؟

مدیریت لحظه‌ای؛ چرخه فرسایشی تصمیم‌های دقیقه نودی

از منظر رسانه‌ای، نبود اطلاع‌رسانی شفاف درباره آنچه انجام شده و آنچه قرار است انجام شود، بزرگ‌ترین آسیب به اعتماد حرفه‌ای است. خبرنگار و منتقد صرفاً مصرف‌کننده خبر نیست، او واسطه‌ای است میان جشنواره و جامعه. وقتی این واسطه در بی‌خبری و بلاتکلیفی رها می‌شود، نتیجه چیزی جز گسترش شایعات، تحلیل‌های غیررسمی و فضای بی‌اعتمادی نخواهد بود. این وضعیت در نهایت به زیان خود جشنواره تمام می‌شود.

رسانه در حاشیه؛ آسیب به اعتماد حرفه‌ای

افزون بر این موارد، برخی دغدغه‌های دیگر نیز در میان منتقدان و اهالی رسانه مطرح است که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند بحران جشنواره را تشدید کند. از جمله، وضعیت هیئت انتخاب و داوری و شفافیت در معرفی آن‌ها، نحوه مواجهه با فیلم‌های مستقل و کم بودجه، تکلیف بخش‌های جنبی و بین‌المللی جشنواره و نسبت جشنواره با بدنه واقعی تولید سینمای ایران. همچنین، تأکید حکم دبیر جشنواره بر نمایش «پایمردی، رشادت‌ها و دفاع سرافرازانه ملت ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه»، پرسش‌هایی را درباره نسبت رویکرد محتوایی جشنواره با تنوع دیدگاه‌ها و گونه‌های سینمایی برانگیخته است؛ پرسش‌هایی که پاسخ به آن‌ها نیازمند شفافیت و گفت‌وگوی صریح با جامعه سینمایی است.

ابهام‌های محتوایی و ساختاری؛ از داوری تا فیلم‌های مستقل

جشنواره فیلم فجر اگر قرار است همچنان عنوان «ملی» را یدک بکشد، ناگزیر است فراتر از سلیقه‌های مدیریتی مقطعی بیاندیشد و به استانداردهای حرفه‌ای برگزاری رویدادهای فرهنگی پایبند باشد. این استانداردها پیش از آنکه به محتوای فیلم‌ها مربوط باشند به نظم اجرایی، احترام به مخاطبان حرفه‌ای و شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها گره خورده‌اند. در غیاب این مؤلفه‌ها حتی بهترین فیلم‌ها نیز نمی‌توانند اعتبار از دست رفته یک جشنواره را بازگردانند.

جشنواره «ملی» و استانداردهای فراموش‌شده

امروز، نگرانی اصحاب رسانه و منتقدان، نه از سر بدبینی بلکه حاصل تجربه سال‌ها مواجهه با وعده‌های محقق نشده است. پرسش اصلی این است: آیا چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر می‌تواند از این چرخه خارج شود و نشانه‌ای از اصلاح ساختاری ارائه دهد یا قرار است بار دیگر با اتکا به نام و سابقه ضعف‌های اجرایی خود را پنهان کند؟ پاسخ به این پرسش نه در بیانیه‌ها و احکام بلکه در اقدام‌های عملی روزهای آینده روشن خواهد شد.

اخبار

آثار آهنگسازان برجسته در اجرای ارکستر ملی

ارکستر موسیقی ملی ایران به رهبری همایون رحیمیان، نخستین اجرای خود در فصل زمستان را با آثار آهنگسازان برجسته روی صحنه می‌برد.

به گزارش ایسنا، ارکستر موسیقی ملی ایران به رهبری همایون رحیمیان، نخستین اجرای رسمی خود در فصل زمستان را با کنسرتی با عنوان «مرا عاشق تر کن...» طی دو شب، ۱۰ و ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۴، در تالار وحدت روی صحنه می‌برد.

در این کنسرت جمعی از خوانندگان موسیقی ایرانی شامل فاضل جمشیدی، علی پویانیا و امیر رفعتی، ارکستر موسیقی ملی ایران را در شب‌های زمستانی همراهی خواهند کرد. در کنسرت «مرا عاشق‌تر کن...»، ارکستر موسیقی ملی ایران منتخبی از آثار ماندگار آهنگسازان برجسته موسیقی ایرانی از جمله مرتضی نی‌داوود، جواد لشکری، عبدالحسین برازنده و مجید وفادار را اجرا می‌کند؛ آثاری که هر یک بخشی از حافظه شنیداری و عاطفی مخاطبان موسیقی ایرانی را شکل داده‌اند و فرصتی دوباره برای پیوند با ملودی‌های عاشقانه و اصیل ایرانی فراهم می‌آورند.

این کنسرت ۱۰ و ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۴، ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

محبوب‌ترین‌ها شهرها برای سفر اعلام شد

تحلیل موسسه «ForwardKeys» نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۵ شهرهای لندن، توکیو و پاریس به‌عنوان محبوب‌ترین مقاصد گردشگری جهان شناخته شده‌اند، درحالی که شهرهای مادرید و آلیکانته در اسپانیا بیشترین رشد سالانه جذب گردشگر را ثبت کرده‌اند.

به گزارش ایسنا، بر اساس جدیدترین تحلیل موسسه «ForwardKeys»، که پیشرو در زمینه تحلیل داده‌های سفر و گردشگری است، در سال ۲۰۲۵ شهرهای لندن، توکیو و پاریس در رتبه‌های اول و تا سوم محبوب‌ترین مقاصد گردشگری جهان قرار گرفتند و در رتبه‌های چهارم تا دهم نیز به ترتیب شهرهای بانکوک (تایلند)، دوبی (امارات)، بارسلون (اسپانیا)، پالما مایورکا (اسپانیا)، اوساکا (ژاپن)، کانکون مکزیک و آنتالیا در ترکیه جای گرفته‌اند. دو شهر مادرید و آلیکانته در اسپانیا هر کدام با ۱۰ درصد رشد، پیشتاز رشد سالانه جذب گردشگر در یک سال اخیر بوده‌اند و پونتا کانا در جمهوری دومینیکن با اختلاف کم با رشد ۹ درصدی در رتبه سوم قرار گرفته است. دوبی، پاریس و میلان (هر کدام با ۸ درصد)، مالاگا در اسپانیا (۵ درصد)، بارسلون و لندن (هر کدام ۳ درصد) و پالما مایورکا با ۲ درصد رشد در رتبه‌های بعدی فهرست برترین مقاصد گردشگری از حیث رشد قرار گرفته‌اند. مقاصد منطقه آسیا-اقیانوسیه (APAC) نیز به حرکت رو به جلوی خود در سال ۲۰۲۵ ادامه دادند و در این مسیر، پیشرفت‌های چشمگیری در سراسر شمال آسیا حاصل شد. اوکیناوا در صدر جدول رشد (۳۶٪+) قرار گرفت، درحالی که پکن (۲۹٪+)، شانگهای (۲۷٪+) و گوانگژو (۲۶٪+) همگی افزایش قابل توجهی نسبت به سال گذشته داشتند که نشان‌دهنده قدرت‌گیری سرزمین اصلی چین است. شانگهای در سال ۲۰۲۵ با رشد سالانه ۱۰ درصد، سریع‌ترین رشد را در بین مقاصد تجاری بین‌المللی داشته است. توکیو نیز با رشد پایدار (۹ درصد) جایگاه خود را تقویت کرد و مادرید با سهم ۲.۲ درصد، بزرگترین شهر در بین برترین شهرها باقی ماند و نسبت به سال ۲۰۲۴، ۵ درصد رشد کرد. شهرهای کوپنهاگ دانمارک، بانکوک، سئول، مونیخ، سنگاپور و آمستردام در فهرست برترین مقاصد تجاری، پس از شانگهای، توکیو و مادرید، رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.

مظنون اصلی پخش نسخه قاچاق فیلم «پیرپسر» معلوم شد؛ فرار به ترکیه

مظنون اصلی پخش نسخه قاچاق فیلم «پیرپسر» معلوم شد ؛ فرار به ترکیه

فیلمی که منتشر شده فیلمی است که در اختیار این شخص بوده و با پیگیری‌هایی که کردیم به تماس‌های ما پاسخ نداد و متوجه شدیم که شبانه در حال خروج از کشور است.

ایرنا نوشت: تهیه‌کننده فیلم سینمایی «پیرپسر» با بیان این‌که پیگیری‌ها در خصوص قاچاق این فیلم هنوز به نتیجه‌ای نرسیده گفت: بحث سریالی شدن پیرپسر را از طریق دیگر پلتفرم‌ها پیگیریم.

حنیف سروری اظهار داشت: همان روزی که قاچاق «پیرپسر» اتفاق افتاد با پیگیری‌ها و بررسی که از طرف دفتر استودیویی و شخص پخش‌کننده بین الملل صورت گرفت، متوجه شدیم قاچاق فیلم توسط شخصی که کارهای پخش بین‌الملل و ثبت‌نام‌ها در فستیوال‌ها را انجام می‌داد صورت گرفته و فیلم با واتر مارک خصوصی که در اختیار او و متعلق به سال ۲۰۲۴ بوده منتشر شده است.

وی ادامه داد: این مساله توسط فرید جلالی مدیر استودیو و لابراتوار پروژه و مسوول این موضوعات تایید شد؛ فیلمی که منتشر شده فیلمی است که در اختیار این شخص بوده و با پیگیری‌هایی که کردیم به تماس‌های ما پاسخ نداد و متوجه شدیم که شبانه در حال خروج از کشور است.

برای جلب و بازداشت او فرصت کمی داشتیم و به فرودگاه رفتیم که هیچ ترتیب اثری به صحبت‌های ما ندادند و این فرد متخلف از گیت رد شده بود. پیگیری های ما نشان داد او گویا به ترکیه و از آنجا هم به مقصد کشور دیگری رفته بود.

شکایت کردیم

او افزود: از او شکایت کردیم و هنوز برای دفاع نیامده است. پلیس فتا، و دیگر مراجع ذی ربط و قوه قضائیه از او توضیح خواسته‌اند و تا امروز هیچ توضیحی نداده است. کماکان منتظریم مشخص شود که قضیه چه بوده است.

این تهیه کننده یادآور شد: این شخص مظنون گویا پیامی به آقای جلالی داده که به ما رسیده مبنی بر این که قاچاق توسط او انجام نشده در حالی که خودش مسوول این نسخه منتشر شده بوده است.

سروری اظهار داشت: همکاری ما پنج یا شش ماه پیش قطع شده بود و باید تمامی نسخه‌ها را تحویل می‌داد و پاک می‌کرد. چرا که دیگر هیچ گونه قراردادی نداشتیم و در پیام‌ها و ایمیل‌ها تاکید شده که هیچ نسخه‌ای در اختیار ندارد و هرگونه خبط، خطا یا قصوری در این خصوص به عهده خودش است.

هنوز پاسخی نگرفتیم

او خاطرنشان کرد: تاکنون در این باره هیچ‌گونه پاسخی از طرف نهادهای ذی‌ربط از جمله قوه قضائیه و وزارت فرهنگ دریافت نکرده‌ایم.

ضرر یک میلیون دلاری پیرپسر

سروری میزان زیان ناشی از قاچاق فیلم را حدود یک میلیون دلار اعلام کرد و افزود: دو ماه از زمان شکایت ما گذشته و تاکنون در این باره از طرف دادستانی و قوه قضائیه اقدامی نشده است. از دادسرای رسانه شعبه ۳۵ هم پیگیر بودیم که هنوز پرونده به شعبه‌ای ارجاع نشده است.

او گفت: بعد از اکران در سینماها قصد داشتیم که برای اکران‌های خارجی فیلم را ارسال کنیم و در حال برنامه‌ریزی برای سریالی کردن پیرپسر بودیم که این اتفاق افتاد. این‌که چه کسانی می‌توانستند پشت پرده باشند و از این موضوع سود ببرند و لطمه‌ای بزنند، هنوز روشن و شفاف نیست، تا زمانی که توضیحی داده نشده است ما هم مثل شما نا آگاهیم.

سروری ادامه داد: شبکه‌ها و کانال‌هایی که فیلم در آنها پخش شده بود بر اساس کپی‌رایت فیلم پیدا کردیم اما هنوز در داخل ایران پرونده به جریان نیفتاده است؛ دست‌کم انتظار می‌رفت که فرد مظنون را ممنوع‌الخروج می‌کردند. شنیده‌ام که این فرد این روزها هم در ایران است اما هنوز به مطالبات نهادهای ذی ربط پاسخی نداده است. روز یکشنبه هم به دادسرا رفتم که این فرد مظنون ممنوع الخروج شود اما هنوز هیچ ترتیب اثری داده نشده است.

پیرپسر توقیف شد؛ بدون هیچ دلیل قانونی

او افزود: با توجه به قاچاق فیلم و به علت این ضرورتی که اتفاق افتاد و نیز قراردادی که با فیلمنت در مورد اکران آنلاین داشتیم با پخش آنلاین فیلم تلاش کردیم جلوی ضرر را بگیریم. این کار را جلو انداختیم ولی می‌خواستیم برای عید نوروز، سریال را نیز پخش کنیم که این اتفاق افتاد و تصمیم گرفتیم بعد از ظهر همان روز که اثر قاچاق شد، فیلم اکران آنلاین شود اما چهار، پنج روز بعد از اکران آنلاین، به دستور دادستانی به ساترا و پلتفرم فیلمنت نمایش فیلم متوقف شد. بدون هیچ دلیل قانونی!

تهیه کننده پیر پسر تاکید کرد: نه وزارت فرهنگ و نه ساترا توضیحی در این باره نداده‌اند و همه گفته‌اند که به دستور دادستانی بوده و ما نیز در ادامه نسبت به شکایتی که مطرح شده بود در دادسرای رسانه، رای برائت گرفتیم از قاضی شعبه ۱۶ دادگاه فرهنگ و رسانه و به دوستان ارائه دادیم. اما به ما گفتند غیرقانونی و غیر مجاز فیلم را پخش کرده‌اید؛ این در حالی است که با توجه به روند وزارت ارشاد، پروانه نمایش برای این فیلم صادر شده بود و به گفته مدیرکل نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ برای پخش آنلاین منع قانونی برای اکران آنلاین و VOD فیلم پیرپسر وجود ندارد.

سروری گفت: فیلمنت هم گفته دستور داشتیم از ساترا فیلم را برداریم و چون فیلم مجوز نداشته که خودمان هم نمی‌دانیم این مجوز که می گویند منظور چیست!؟ زیرا ما پروانه نمایش از وزارت فرهنگ و ارشاد داشتیم و با همین مجوز فیلم در سینماهای کشور نمایش داده شده است. همه پروانه‌ها برای اکران تاکنون این گونه بوده و تنها فیلمی که برای آن چنین مساله‌ای ایجاد شده، پیرپسر است.

پیرپسر سریال می‌شود؟

او درباره سریالی شدن فیلم اظهار داشت: حدود ۴ ساعت فیلم است که

سه ساعت و ۱۲ دقیقه آن در اکران سینما پخش شده است. با توجه با زمان بالایی که دارد، برای پلتفرم‌ها جذاب‌ترین حالت این است که آن را به صورت مینی‌سریال پخش کنند. مشغول این کار هستیم و اگر پلتفرم‌ها موافق باشند شش قسمت را عید منتشر می‌کنیم.

سریال را برای پخش به فیلمنت نداده‌ایم. باید ببینیم که کدام یک از پلتفرم‌ها از این کار استقبال می‌کند.

سروری افزود: تاکنون اکران عمومی بین‌المللی در اروپا، استرالیا، آمریکا و کانادا داشتیم که این روند به دلیل قاچاق از بین رفت. چرا که دیگر این کار جذابیتی برای مخاطب نخواهد داشت. ممکن است یک سری اکران‌ها با حضور بازیگران و کارگردان در برخی کلانشهرها باشد که این نیز باید بررسی شود.